

بررسی تطبیقی حقوق سهامدار اقلیت در تجزیه شرکتهای سهامی (ایران و انگلستان)

محمد رضا پاسبان^۱ - سید هادی فرخی^۲ - احمد بیگی حبیب آبادی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۷/۲۸

چکیده

شرکتهای سهامی از حیث اقتصادی بیش از سایر شرکتهای در عرصه نظام حقوقی و اقتصادی بروز و ظهور داشته‌اند. با توجه به اینکه غالب اشخاص جامعه می‌توانند به انحاء مختلف در زمره اعضاء این شرکتهای قرار گیرند، از اقبال زیادی نزد اکثریت مردم برخوردار است. آنچه از اهمیت بسزایی برخوردار بوده و در این مقاله نیز مورد تأکید نگارنده قرار گرفته، حقوق سهامدار اقلیت در شرایط تجزیه شرکتهای سهامی و آثار و احکام مترتب بر آن در نظام حقوقی ایران و انگلستان است. مطالعه در دو نظام حقوقی نمایانگر آن است که اولاً برخلاف حقوق انگلیس، مقررات خاصی در خصوص تجزیه شرکتهای تجاری، به‌ویژه غیردولتی وجود ندارد. ثانیاً، در حقوق انگلیس مقررات مناسبی در خصوص حمایت از سهامداران اقلیت به‌ویژه در خصوص تجزیه شرکتهای پیش‌بینی شده است، لکن در حقوق ایران مقررات حمایتی نسبت به سهامدار اقلیت کم‌رنگ بوده و در لایحه تجارت نیز جهت حمایت مناسب از سهامدار اقلیت پیش‌بینی لازم شده است. لذا مقایسه قوانین و مقررات دو کشور می‌تواند راهگشای بسیاری از چالش‌ها و ابهامات موجود در ادغام و تجزیه شرکتهای سهامی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: شرکت سهامی، حقوق سهامدار اقلیت، تجزیه، حقوق ایران، حقوق انگلستان

mpasban@atu.ac.ir
shfarrokhy@gmail.com
beygiah@yahoo.com

۱. دانشیار حقوق خصوصی، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)
۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، پردیس دانشگاه علامه طباطبائی
۳. دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه

تجزیه شرکت‌ها در کشورهای غربی به‌ویژه انگلستان، چه در عمل و چه در رویه محاکم مورد استقبال واقع شده است و برای اجرای طرح‌های بزرگ اقتصادی که نیاز به سرمایه‌های گزاف دارد و یا برای تخصصی کردن شرکت‌ها استفاده می‌شود. قانون‌گذار این کشور به چنین اموری توجه اساسی داشته و مقررات خاصی راجع به تجزیه شرکت‌ها پیش‌بینی کرده است. در حقوق ایران، نه در قانون تجارت و نه در لایحه قانونی ۱۳۴۷ به این نکات توجهی نشده و تنها متن قانونی در این ارتباط قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم قانون اساسی بوده که در بند (۱۷) ماده (۱) آن به تعریف تجزیه پرداخته^۱ و سپس بدون اینکه شرایط، احکام و آثار آن را بیان کند، صرفاً در مواد پراکنده اشاره مختصری به نحوه واگذاری شرکت‌های دولتی از طریق تجزیه داشته است.^۲ در سال ۱۳۸۴ دولت با تنظیم لایحه تجارت مقررات نسبتاً مفصلی در مورد تجزیه شرکت‌ها تدوین کرد، لکن تاکنون لایحه فوق مراحل قانونی خود را طی نکرده و به‌صورت قانون لازم‌الاجرا درنیامده است.

قانون‌گذاران در دو نظام حقوقی، برای سهامداران اقلیت، حقوقی را در نظر گرفته‌اند و راهکارهایی برای آن‌ها پیش‌بینی کرده‌اند. علاوه بر این، هر دو نظام حقوقی نهادهایی نظارتی در داخل و خارج از شرکت برای تضمین چنین حقوقی در نظر گرفته‌اند. در حقوق ایران، بازرسان شرکت به‌عنوان نهاد داخلی و مرجع ثبت شرکت‌ها و همچنین نهادهای نظارتی دولتی مانند شورای رقابت در قانون اجرای سیاست‌های کلی در مرحله تأسیس شرکت‌ها به‌عنوان نهاد خارجی نقش دارند. در حقوق انگلیس، نهادهای متفاوتی باهدف حفظ حقوق سهامداران اقلیت انجام وجود دارد، مانند دادگاه، وزارت تجارت و صنعت و سازمان اوراق بهادار و سرمایه‌گذاری‌ها و سازمان بورس اوراق بهادار لندن.

۱. تعریف، دسته‌بندی و تشریفات تجزیه

یکی از تغییرات اساسی در شرکت‌ها که می‌تواند با منافع سهامداران اقلیت مغایر باشد، تجزیه شرکت‌ها است که به‌عنوان یکی از مباحث حقوق تجارت، کمتر مورد توجه قانون‌گذاران

۱. ماده ۱- در این قانون اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار برده می‌شود: ... ۱۷- تجزیه: اقدامی که براساس آن یک شرکت ضمن محو شخصیت حقوقی خود دو یا چند شخصیت حقوقی جدید تشکیل دهد.
۲. مواد ۱۹، ۴۰ و ۶۱ اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم قانون اساسی.

و حقوقدانان کشورمان قرار گرفته است. در این قسمت ابتدا به مفهوم تجزیه پرداخته و سپس انواع، شرایط و تشریفات آن را به‌طور کلی بررسی خواهیم کرد.

۱-۱- مفهوم تجزیه

تجزیه در لغت به معنای جدا گری، تجزیه، تحلیل و تفکیک به کار می‌رود. همچنین در معنای بخش بخش، پاره پاره و جزء جزء کردن و یا تبدیل یک جسم به چند جسم دیگر نیز بکار می‌رود.^۱

در اصطلاح تجزیه حاصل انفکاک و تقسیم دارایی یک شرکت میان دو یا چند شرکت قبلاً موجود یا جدیدالتأسیس است که در فرض اخیر گفته می‌شود شرکتی از شرکت قدیمی جدا شده است. برای نمونه اگر سرمایه شرکت الف بین دو شرکت (ب) و (ج) تقسیم شود، با ایجاد شرکت‌های (ب) و (ج) شرکت (الف) از بین می‌رود بی‌آنکه اموال آن‌ها تصفیه شود.^۲ مطابق دیدگاه یکی از اساتید در فرهنگ‌های حقوقی ما واژه تجزیه دیده نمی‌شود و بیشتر یک اصطلاح حسابداری و اقتصادی است تا اصطلاح حقوقی. واژه تفکیک که همین معنا را می‌رساند به معنای جدا کردن است که این اصطلاح بیشتر برای زمین و اراضی ثبتی بکار می‌رود.^۳ تجزیه چنین تعریف شده است: تجزیه عبارت است از تفکیک دارایی یک شرکت با حفظ شخصیت حقوقی یا بدون آن به نحوی که هر قسمت به شرکت جدیدی منتقل شود. در واقع دارایی شرکتی که در نتیجه تجزیه از بین می‌رود به شرکت جدید انتقال می‌یابد.^۴ با توجه به تعاریف بالا می‌توان گفت، تجزیه قراردادی است که به موجب آن همه یا بخشی از دارایی‌های یک شرکت با حفظ شخصیت حقوقی یا بدون آن، به یک یا چند شرکت موجود یا جدیدالتأسیس انتقال می‌یابد، بدون آنکه انجام آن مستلزم تصفیه باشد.

۱-۲- انواع تجزیه

در حقوق انگلیس، به موجب مقررات فصل سوم از بخش ۲۷ قانون شرکت‌های تجاری

۱. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، جلد پنجم، (تهران: نشر مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷)، ص ۶۴۵۰.

۲. اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت، شرکت‌های تجاری، جلد اول (تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (نشر سمت)، ۱۳۸۵)، ص ۴۵.

۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، (تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۶)، ص ۱۷۳.

۴. صقری، محمد، حقوق بازرگانی شرکت‌ها، تأسیس، تبدیل، ادغام و انحلال، (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۰)، ص ۱۹۴.

مصوب ۲۰۰۶ به تجزیه^۱ شرکت‌های سهامی عمومی اختصاص یافته است. بر اساس این مقررات این بخش شرکت‌های تجاری عام می‌توانند با رعایت شرایط خاصی از دادگاه اجازه انجام ترتیبات مقرر مورد توافق را جهت تجزیه درخواست کنند.

لایحه تجارت، تجزیه را شامل دو قسم می‌داند: الف) بخشی از دارایی‌ها و تعهدات شرکت موجود، با حفظ شخصیت حقوقی آن، به منظور تشکیل یک یا چند شرکت جدید اختصاص می‌یابد، ب) دارایی‌ها و تعهدات شرکت موجود، به منظور تشکیل دو یا چند شرکت جدید اختصاص می‌یابد و شخصیت حقوقی شرکت موجود محو می‌شود.^۲

۳-۱- شرایط و تشریفات تجزیه

با عنایت به اینکه تحقیق حاضر در مقام مطالعه تطبیقی با حقوق انگلستان نگاشته می‌شود در ادامه در کنار مقررات مصوب یا در حال تصویب کشورمان و قوانین متناظر شرکت‌های انگلستان و دستورالعمل‌های اتحادیه اروپا (دستورالعمل ششم^۳) که بعداً به موجب دستورالعمل EC/۶۳/۲۰۰۷ اصلاح شد^۴ و نیز دستورالعمل ادغام فرامرزی اتحادیه اروپا که به تجزیه فرامرزی نیز می‌پردازد، پرداخته می‌شود.

در حقوق ایران، مبحث حمایت از سهامداران اقلیت در امر تجزیه به طور تصریحی و گسترده تدوین نشده است. در ادامه به دلیل اینکه حقوق تجارتی شکل گرا (فرمالیست) است و قانون‌گذاران برآند که آزادی عمل اشخاص را محدود کنند^۵ و عنایت به ماده (۶۰۵) لایحه تجارت^۶ که در خصوص رعایت تشریفات تجزیه مقرر می‌دارد: چنانچه تشریفات مربوطه

۱. برای تجزیه شرکتها در حقوق انگلستان غالباً از لغت Division استفاده می‌شد لکن در مواردی از لغت Reconstruction به معنای بازسازی نیز استعمال شده است.

۲. ماده ۸۲۰ لایحه تجارت ۱۳۸۴.

۳. Sixth Council Directive (EEC) ۸۲/۸۹۱۶ (the 'Sixth Directive') concerning the division of public limited liability companies - [۱۹۸۲] OJ L۳۷۸/۴۷.

۴. Nicola de Luca, European Company Law Text, Cases and Materials, (UK: Cambridge Press, ۲۰۱۷), p ۱۰۰.

۵. کاویانی، کورش، حقوق اسناد تجارتی، (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۹)، ص ۵۲.

۶. ماده ۶۰۵ لایحه تجارت ۱۳۸۴: در صورتی که ادغام بدون رعایت تشریفات مربوط انجام شود هر ذی‌نفع می‌تواند ابطال ادغام را از دادگاه تقاضا کند.

ماده ۸۰۳- ادغام شرکت‌های تجاری ... با شرایط و تشریفات مقرر در این قانون مجاز می‌باشد.

رعایت نشود به‌عنوان عدم رعایت قواعد آمره، موجبی برای اعتراض سهامداران اقلیت و ابطال روند تجزیه و در نتیجه فشار بر سهامداران اکثریت و نیل به حقوق منصفانه خود خواهد بود و همچنین لایحه تجارت؛ جواز تجزیه شرکت‌های تجاری منوط به رعایت شرایط و تشریفات مقرر می‌داند (ماده ۸۰۳)، به مباحث تجزیه می‌پردازیم. از این رو با مطالعه تشریفات مذکور که می‌تواند دستاویز سهامداران اقلیت برای ممانعت از تجزیه شرکت‌ها در شرایط غیرمنصفانه و نابرابر باشد، به تشریح مباحث آتی خواهیم پرداخت.

۱-۳-۱- تنظیم طرح تجزیه

در یک جمع‌بندی کلی روند تجزیه شرکت در سه مرحله روی می‌دهد: الف) تهیه طرح تجزیه؛ ب) تصمیم مجمع سهامداران؛ ج) عمل تجزیه.^۱ طرح تجزیه در واقع پیشنهادی است که توسط مدیران شرکت‌های دخیل در تجزیه تهیه و جهت تصویب به مجمع عمومی آن‌ها ارائه می‌شود. تهیه طرح تجزیه به‌عنوان اولین گام برای تجزیه شرکت‌ها بر عهده مدیران شرکت است. برخلاف ادغام که مدیران قبل از طرح مشترک ادغام باید ایده آن را تهیه و ابتدائاً موافقت مجمع فوق‌العاده را جلب کنند زیرا هنگام تجزیه شرکت‌ها، مدیران صرفاً به تهیه طرح تجزیه مبادرت می‌کنند.

ماده (۹۱۹) قانون شرکت‌های ۲۰۰۶ انگلستان که بازتعریف ماده (۲) A ۴۲۷ قانون ۱۹۸۵ است طرحی^۲ را متضمن تجزیه می‌داند که تعهدات، دارایی و مسئولیت‌های شرکت که در رابطه با آن مصالحه یا توافق^۳ مطرح می‌شود، با توجه به طرح تجزیه به دو یا چند شرکت منتقل می‌شود که هر یک از آن‌ها یک شرکت سهامی عام موجود یا یک شرکت جدید (شرکت سهامی عام یا غیره) هستند.^۴ بنابراین طرح تجزیه طرحی است که شرکت انتقال‌گیرنده (هرکدام یک شرکت سهامی عام است که در حال حاضر وجود دارد یا یک شرکت تازه تأسیس که عمومی یا خصوصی است) و ضمن محو شخصیت حقوقی، همه تکالیف، دارایی و دیون خود را مطابق با تخصیص مندرج در شرایط پیشنهادی تجزیه مورد نیاز تحت ماده (۹۲۰) به بیش از یک شرکت انتقال می‌دهد. این انتقال در عوض تخصیص سهام به اعضای شرکت تجزیه‌شده می‌باشد.

۱. Ibid , P ۹۴۱.

۲. Scheme.

۳. the compromise or arrangement.

۴. Companies Act ۲۰۰۶ ,s ۹۱۹.

در حقوق انگلستان پیش‌نویس شروط مطرح‌شده طرح تجزیه باید توسط مدیران شرکت‌های درگیر در تجزیه تنظیم و به تأیید آن‌ها برسد.^۱

۲-۳-۱- انتشار طرح تجزیه

طبق قوانین انگلیس پیش‌نویس طرح تجزیه باید منتشر شود.^۲ مدیران هر یک از شرکت‌هایی که در تجزیه دخیل هستند باید طرح تجزیه را جهت انتشار به روزنامه رسمی ارسال کنند. به‌عنوان یک جایگزین، مدیران می‌توانند طرح تهیه‌شده را در تارنمای خود منتشر کنند.^۳ حداقل باید یک ماه بین انتشار طرح در روزنامه رسمی و تشکیل مجمع عمومی فاصله باشد.

در حقوق ایران، تصمیم مأخوذه شرکت برای امر تجزیه، باید طی مهلت (۱۵) روز در روزنامه شرکت آگهی شود. لیکن در ماده مربوطه^۴ طلبکاران و دارندگان اوراق مشارکت را ظرف دو ماه مستحق اعتراض دانسته است ولیکن از سایر ذی‌نفعان سخنی بیان نشده و ظاهراً فرض بر این بوده که با تحقق نصاب لازم در مجمع عمومی، دیگر سهامداران اقلیت واجد حق اعتراض نیستند. اگر چنین باشد، بهتر است ماده مذکور بدون حصر و به‌طور مطلق، اعتراضات را استماع کند و در این صورت شامل سهامداران اقلیت نیز می‌شود. چنانچه منظور نظر صرفاً همین دو مورد «طلبکاران و دارندگان اوراق مشارکت» باشد، کار برای شرکت موجب صعوبت بیشتری است چراکه به‌موجب اصل یکصد و پنجاه و نهم قانون اساسی، سهامداران اقلیت حق مراجعه به دادگاه را برای اعلام اعتراض خود دارند و دادگاه چنانچه اعتراض سهامداران اقلیت را موجه بداند، دستور تأخیر ثبت تجزیه از سوی دادگاه را صادر می‌کند.^۵

ثبت تجزیه نیز باید در روزنامه‌های شرکت‌های درگیر تجزیه منتشر شود. قانون‌گذار در جهت حمایت از سهامدار اقلیت مقرر داشته چنانچه تشریفات اخیرالذکر رعایت نشود، کلیه اقدامات انجام‌شده برای انجام امر تجزیه بی‌اثر است.^۶

۱. Companies Act, ۲۰۰۶, s ۹۲۰.

۲. Companies Act, ۲۰۰۶, s ۹۲۱.

۳. Jennifer Payne, op.cit, p ۱۶۲.

۴. ماده ۸۲۴ لایحه تجارت ۱۳۸۴.

۵. اصل یکصد و پنجاه و نهم قانون اساسی: مرجع رسمی تظلمات و شکایات دادگستری است.

۶. مواد ۸۲۷ و ۸۲۹ لایحه تجارت ۱۳۸۴.



۳-۳-۱- تصویب طرح تجزیه

تجزیه شرکت‌ها با تصویب در مجمع عمومی با اکثریت عددی هر یک از گروه‌های سهامدار کلیه شرکت‌های درگیر تجزیه که مالک سه‌چهارم سرمایه شرکت باشند انجام می‌شود.^۱ این شرط با رعایت مواد (۹۳۱) و (۹۳۲) قانون ۲۰۰۶ انگلستان است که به موجب آن تحت شرایطی خاص لزومی به تصویب طرح تجزیه در مجمع عمومی شرکا نیست. تصویب طرح تجزیه در حقوق ایران توسط مجمع عمومی فوق‌العاده صورت می‌گیرد.^۲

۳-۳-۴- گزارش توجیهی مدیران

مدیران شرکت انتقال‌دهنده و هر کدام از شرکت‌های انتقال‌گیرنده باید گزارش توجیهی در ارتباط با تجزیه را تنظیم و تصویب کنند.^۳ این گزارش باید شامل توجیه اقتصادی و حقوقی پیشنهاد تجزیه باشد.^۴ در خلال مدت مزبور این امکان باید در اختیار سهامداران شرکت باشد که بتوانند تصویری از اسناد را به نحو رایگان دریافت کنند.^۵

هرگونه تغییر اساسی در حقوق و تعهدات شرکت مورد تجزیه (انتقال‌دهنده) از زمانی که طرح مورد پذیرش قرار گرفته تا زمانی که مجمع برای تصویب طرح تشکیل می‌شود، گزارش آن باید توسط مدیران شرکت مورد تجزیه، تهیه و به اطلاع هر یک از گروه‌های سهامدار شرکت‌های دخیل در تجزیه و مدیران شرکت یا شرکت‌های انتقال‌گیرنده برسد.^۶

مطابق لایحه تجارت ایران، در اولین گام خود مدیران شرکت برای تقدیم طرح تجزیه موظف‌اند تا گزارش توجیهی از دلایل و جهات تجزیه را تهیه کنند.^۷

در حقوق انگلستان، مدیران شرکت انتقال‌دهنده و هر یک از شرکت‌های انتقال‌گیرنده باید گزارشی تنظیم و تأیید کنند که اظهاریه مورد نیاز در ماده (۸۹۷) و زمینه‌های اقتصادی و قانونی را برای شروط پیش‌نویس و به‌طور خاص برای نسبت تبادل سهم و معیار تخصیص سهم را تنظیم

۱. Reinhard Bork, *Rescuing Companies in England and Germany*, (UK: Oxford University Press, ۲۰۱۴), p ۱۵-۱۷.

۲. ماده ۸۲۴ لایحه تجارت ۱۳۸۴.

۳. Companies Act, ۲۰۰۶, s ۹۲۳.

۴. Jennifer Payne, *Schemes of Arrangement: Theory, Structure and Operation*, (UK: Oxford University Press, ۲۰۱۴), p ۱۶۲.

۵. Ibid, p ۱۶۳.

۶. Companies Act, ۲۰۰۶, s ۹۲۷.

۷. ماده ۸۲۳ لایحه تجارت ۱۳۸۴.



کرده و هرگونه مشکلات خاص ارزش یابی را تصریح کنند.^۱ هدف اظهارنامه توجیهی تهیه اطلاعات کافی برای سهامداران اقلیت است به طوری که آنها بتوانند نسبت به تأثیر طرح بر منافعشان در شرکت آگاه شوند تا راضی شوند که به آن رأی بدهند.

۵-۳-۱- گزارش کارشناسی

در نظام حقوقی انگلستان باید در ارتباط با هر کدام از شرکت های طرف تجزیه گزارش کارشناسی تنظیم شود.^۲ بنا به تقاضای مشترک شرکت های درگیر در تجزیه دادگاه می تواند یک کارشناس مشترک جهت تهیه گزارش از طرف همه شرکت ها منصوب کند. لازم است این کارشناس از میان حسابداران رسمی باشد. در گزارش مزبور باید مشخص شود چه روش یا روش هایی برای نسبت سنجی بین شرکت ها در نظر گرفته شده و آیا این روش ها متعارف و مناسب برای حقوق سهامداران اقلیت بوده یا نیست.

نظریه کارشناسی به تصریح در هیچ کدام از لوایح تجارت نیامده لیکن به معنای نبود آن نیست چراکه گزارش توجیهی مدیران (از جمله در صورت های مالی و تعیین تعداد سهام متعلقه سهامداران اقلیت و شیوه های تعیین) و نیز طرح تجزیه مستلزم بررسی کارشناس است. این امر در جزئیات اظهارنامه ای که باید به مرجع ثبت شرکت ها تقدیم شود نیز مستتر است. لیکن مسائل مرتبط با نظریه کارشناسی و در صورت احتمال اعتراض سهامداران اقلیت به نظریه کارشناس و رجوع به دادگاه، مطابق قواعد عمومی رفتار می شود. یکی از مواردی که می تواند موجب مناقشه سهامداران اقلیت و نظریه کارشناس که احتمالاً با فشار مدیران و سهامداران اکثریت همراه باشد، جواز انتقال دارایی ها شرکت های موضوع به ارزش دفتری است.^۳ هر چند انتقال دارایی ها به ارزش روز نمی شده اما از آن و توجیه معافیت مالیاتی منحصر در آن^۴، ممکن است چنین استنتاج شود. ایراد وارده ممکن است این باشد که تاریخ ثبت شرکت و در نتیجه سرمایه دفتری آنان با فاصله طولانی مقدم و مؤخر بوده و به تبع نوسانات بازاری و نرخ تورم، محاسبه به ارزش دفتری مغایر حقوق سهامداران باشد. از این رو بهتر است سهامداران اقلیت، حق اعتراض به نظریه کارشناسی و هم به نحوه انتقال دارایی های شرکت موضوع تجزیه و حق مراجعه به دادگاه را داشته باشند.

۱. Companies Act, ۲۰۰۶, s ۹۲۳.

۲. Companies Act, ۲۰۰۶, s ۹۲۴.

۳. ماده ۸۰۴ لایحه تجارت ۱۳۸۴.

۴. این موضوع با تصریح صرف، به عبارت «ارزش دفتری» در بند (ب) ماده (۱۱۱) قانون مالیات های مستقیم بیشتر نمایان می شود.



کارشناسی ارزیابی قیمت سهام سهامداران اقلیت در امر تجزیه شرکت‌ها، از دغدغه‌های دستورالعمل تجزیه فرامرزی نیز می‌باشد.^۱

۶-۳-۱- بررسی و ملاحظه اسناد

قانون شرکت‌ها برای سهامداران برای بررسی مجدد سایر اسناد شرکت یا دریافت رونوشت آن‌ها برخی حقوق را اعطاء می‌کند^۲ و ملاحظه و بررسی اسناد مرتبط با تجزیه توسط اعضای شرکت‌های طرف تجزیه مورد تأکید قانون‌گذار انگلیس قرار گرفته است.^۳ سهامداران هر یک از شرکت‌های طرف تجزیه در خلال یک ماه قبل از تشکیل جلسه مجمع باید به طرح تجزیه قادر باشند، گزارش مدیران، کارشناسان و ترازنامه شرکت دسترسی داشته باشند و در صورت مطالبه، تصویری در اختیار آنان قرار گیرد.^۴ همچنین دستورالعمل ششم اتحادیه اروپا بر اهمیت حمایت از سهامداران اقلیت شرکت‌های درگیر در تجزیه به شیوه‌ای که حقوق آن‌ها به‌طور مناسب حمایت شود، تأکید می‌کند. بنابراین، هنگامی که اختیار خود را برای تصویب طرح اعمال می‌کند، دادگاه باید اطمینان حاصل کند که مصوبات مجمع منطقی بوده و بر اساس اطلاعات کامل در مورد جنبه‌های قانونی و اقتصادی تجزیه، همراه با زمان کافی برای بررسی این اطلاعات است.^۵ مطابق دستورالعمل تجزیه^۶، با توجه به حق خروج یا حق وتو برای سهامداران اقلیت در هنگام تجزیه شرکت، حق دریافت عوض متناسب با سهام خود را دارند در غیر این

۱. Directive general for internal policies policy department, Jessica Schmidt, ۲۰۱۶, available at: <http://www.europarl.europa.eu/supporting-analyses>, p ۲۳.

۲. Victor Joffe, David Drake, Giles Richardson, Tim Collingwood, Daniel Lightman, *Minority Shareholders: Law, Practice and Procedure*, (USA: Oxford University Press, ۲۰۱۳), p ۳۳۰.

۳ Companies Act ۲۰۰۶, ss ۲۳۷-۲۳۸, ۸۰۸.

۴ Companies Act, ۲۰۰۶, s ۹۲۶.

۵. John Birds, Nigel Boardman, *Annotated Companies Legislation*, (USA: Oxford University Press, ۲۰۱۳), P ۶۰۵.

۶. SIXTH COUNCIL DIRECTIVE of ۱۷ December ۱۹۸۲ based on Article ۵۴ (۳) (g) of the Treaty, concerning the division of public limited liability companies (۸۲ /۸۹۱ /EEC)

Article ۵(۲): Where shares in the recipient companies are allocated to the shareholders of the company being divided otherwise than in proportion to their rights in the capital of that company, Member States may provide that the minority shareholders of that company may exercise the right to have their shares purchased.

In such case, they shall be entitled to receive consideration corresponding to the value of their shares. In the event of a dispute concerning such consideration, it must be possible for the consideration to be determined by a court.

صورت و در صورت حصول اختلاف، دادگاه باید رسیدگی و عوض مناسب را تعیین کند.^۱

۷-۳-۱- تصویب اساسنامه شرکت‌های جدید

با انعقاد موافقت‌نامه‌ای در خصوص بازسازی مالی شرکت^۲ از جمله تجزیه شرکت می‌توان انواع بازسازی و ترتیب پرداخت بدهی را که به تصدیق دادگاه خواهد رسید، انجام داد. این موافقت‌نامه باید قبلاً توسط سه‌چهارم سهامداران (یا طلبکاران)^۳ که در مجامع عمومی مجزا گردآمده و از آن‌ها نظرخواهی می‌شود، به تصویب برسد و سهامداران اقلیت نیز باید از آن تبعیت کنند. این تشریفات را می‌توان برای تغییر حقوق وابسته به سهام طبقه خاصی از سهامداران، جهت مبادرت به تجزیه شرکت‌ها یا عملی ساختن توافقاتی با طلبکاران یک شرکت بدهکار بکار برد.^۴ تشریفات مذکور می‌توانند کاربردهای متعددی داشته باشند.^۵

۲- حقوق سهامدار اقلیت در تجزیه شرکت‌ها

با توجه به این واقعیت که مشارکت در تصمیم‌گیری در بیشتر شرکت‌های تجاری، تابعی از میزان آورده سهامداران است بنابراین با عنایت به تقسیم‌بندی سهامداران به اعتبار میزان سرمایه به سهامداران اکثریت و اقلیت تقسیم می‌شوند. به‌طور کلی سهامداران شرکت‌های انگلیسی دارای حقوق زیر هستند:

۱- ۱۰۰٪ سهامداران می‌توانند هر نوع کار قانونی را در شرکت انجام دهند.

۲- ۷۵٪ سهامداران می‌توانند مصوبات مجمع فوق‌العاده را تصویب کنند و فقط محدودیت‌های تقلب در حق سهامداران اقلیت، رأی‌گیری وزنی و تبعیض ناروا بر آن وارد است.^۶

۳- سهامداران بالای ۵۰٪: می‌توانند مجمع عمومی عادی را برگزار و مصوبه تصویب کنند.

۴- سهامداران بالای ۲۵٪: می‌توانند در خصوص مصوبه‌ای خاص از مجمع را بلوکه کنند.

۱. Nicola de Luca, op.cit, p ۹۳۷.

۲ Scheme of arrangement.

۳. Companies Act, ۲۰۰۶, s ۹۲۲ .

۴. Reinhard Bork, Op.cit, P ۱۵-۱۷ .

۵. ال.اس. سیلی، «حقوق شرکت‌ها در انگلستان»، مترجم: عبدالرسول قدک، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۰-۱۹ (۱۳۷۶)، ص ۵۴۰.

۶. fraud on minority, weighted voting rights, unfair prejudice.



۵- سهامداران بالای ۱۰٪: تقاضای رأی‌گیری کنند.

۶- سهامداران بالای ۵٪: می‌توانند مجمع را فراخوانی کنند.

۷- هر یک از سهامداران: دارای حق رأی، اخذ سود، گواهی سهم، ثبت‌نام در دفتر ثبت تجارتي، اخذ رونوشتی از صورت‌های مالی، گزارش بازرسی، حق مراجعه به دادگاه برای برگزاری مجامع عمومی، حق منع تبعیض، حق تقاضای انحلال شرکت، حق اقامه دعوی علیه مدیران متخلف.^۱

این در حالی است که دسته‌بندی مشخصی از سهامداران اقلیت و اکثریت در حقوق ما وجود ندارد و از قانون تجارت تا قوانین مرتبط از جمله قوانین بازرسی با طیف وسیعی از تعاریف سهامداران اکثریت و اقلیت مواجه هستیم، فلذا یک دسته‌بندی مشخص از آرایش سهامداران و توان اجرایی آنان وجود ندارد.

تحلیل عقیده سهامداران اکثریت بر نظر سهامداران اقلیت می‌تواند از جلب سرمایه‌های خرد و سهامداران اقلیت ممانعت به عمل آورد.

۲-۱- حقوق سهامدار اقلیت در تجزیه شرکت‌ها در حقوق انگلیس

در حقوق انگلیس، سهامداران اقلیت می‌توانند دعوی خود را در اشکال زیر اقامه کنند.

۱- اقامه دعوی بر اساس تبعیض غیر منصفانه^۲

۲- اقامه دعوی انحلال شرکت به لحاظ منصفانه و عادلانه بودن آن^۳

۳- دعوی مشتق^۴.

در ادامه به شرح آنان می‌پردازیم.

۲-۱-۲- روش‌های اقامه دعوی توسط سهامداران اقلیت

قاعده کلی آن است که شرکت‌ها توسط مدیران اداره می‌شود و سهامداران در اداره شرکت

۱. Trevor Adams, Christopher Morris, Business Law and Practice, (UK College of law), ۲۰۱۰, P ۵۷.

۲. Companies Act, ۲۰۰۶, s ۹۹۴ (PROTECTION OF MEMBERS AGAINST UNFAIR PREJUDICE).

۳. Just and equitable winding up of a company.

۴. Companies Act, ۲۰۰۶, s ۲۶۰. (Derivative claims).

مستقیماً نقشی ندارند. تصمیمات متخذه در مجمع عمومی برای کلیه سهامداران من جمله سهامداران اقلیت نافذ است. علی‌الاصول سهامداران اقلیت حق وارد کردن خدشه به تصمیمات مدیران و مجامع عمومی را ندارند و اختیار به سهامداران برای اقامه دعوی و زیر سؤال بردن تصمیمات آن‌ها برخلاف اصل است و نیاز به نص قانونی دارد. در ادامه این مبحث به روش‌های سهامدار اقلیت در اقامه دعوا به هنگام تجزیه شرکت می‌پردازیم:

۳-۱-۲- اقامه دعوی بر اساس تبعیض غیرمنصفانه

در برخی موارد امکان دارد به هنگام تجزیه شرکت میان سهامدار اقلیت و اکثریت تبعیض‌هایی صورت گیرد که منصفانه نباشد. بنابراین سهامداران اقلیت و حتی یکی از آنان چنانچه احساس کند، شرکت به نحوی اداره می‌شود که نسبت به بعضی از سهامداران تبعیض غیرمنصفانه^۱ روا می‌شود، می‌توانند در دادگاه تجاری اقامه دعوی کنند.^۲ لازم به توضیح است اگر عمل انجام شده غیرقانونی باشد، بر این اساس امکان اقامه دعوی نیست.^۳ جهات و اسباب شکایت عبارت از این است که شرکت اقدام به فعل یا ترک فعلی می‌کند که به نحو غیرمنصفانه به ضرر همه سهامداران یا گروهی از آنان است، مانند قصور در پرداخت سود سهام، تصرفات خارج از حدود اختیارات مقرر در اساسنامه و اقداماتی که ممکن است موجب ورشکستگی شرکت شود.^۴ البته دعوی باید پس از اطلاع نسبت به اقدامات انجام شده، در مدت متعارف اقامه شود و الا به منزله رضایت به اقدامات انجام شده خواهد بود.^۵ همچنین، تقاضا باید به موجب دادخواست^۶ باشد و خواهان علل شکایت و ماهیت خواسته را در آن ذکر کند.^۷ اقامه دعوی بر اساس ماده مذکور احتمالاً گران، وقت گیر و پیچیده است. بنا بر آمارهای موجود تنها دو پرونده^۸ تحت آزمایش ۲۱۰ ساله موفقیت آمیز بوده‌اند.^۱ برخلاف دعوی مشتق که سهامدار از

۱. Mike Ottley, Q&A Company Law, (USA: Routledge, ۲۰۱۶), p ۱۱۸.

۲. Companies Act ۲۰۰۶, s ۹۹۴.

۳. Lucy Jones, Introduction to Business Law, (UK: Oxford University Press, ۲۰۱۷), P ۵۹۹.

۴. Charlie Newington-Bridges, St John's Chambers, "A Practical Guide to Unfair Prejudice Petitions and their interaction with Derivative Claims", (January ۲۰۱۶), p ۲.

۵. Victor Joffe, David Drake, Giles Richardson, Tim Collingwood, Daniel Lightman, Minority Shareholders: Law, Practice and Procedure, (USA: Oxford University Press, ۲۰۱۳), p ۳۲۱.

۶. Companies Act, ۲۰۰۶, s ۹۹۴ (Petition by company member).

۷. Charlie Newington-Bridges, St John's Chambers, "A Practical Guide to Unfair Prejudice Petitions and their interaction with Derivative Claims", (January ۲۰۱۶), p ۱۰.

۸. ReHarmer (۱۹۵۹) & Scottish Co-operative Wholesale Society Ltd v Meyer (۱۹۵۹).



جانب شرکت اقامه دعوی می‌کند، در این دعوی، سهامدار از جانب خود اقامه دعوی می‌کند. در واقع، چنانچه دادگاه حکمی صادر کند، سهامدار اقلیت به‌عنوان محکوم‌له تلقی خواهد شد.^۲ دادگاه می‌تواند دستوری را که مقتضی و مناسب تشخیص می‌دهد صادر کند.^۳ همچنین فهرستی از دستوراتی که ممکن است داده شود نیز در قانون مشخص شده^۴ و چنانچه دادگاه دعوی خواهان را وارد بداند ممکن است یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ کند:

الف - کنترل و نظارت بر امور شرکت در آینده؛

ب - الزام شرکت به انجام امری که نسبت به آن شکایت شده یا جلوگیری از آن؛

پ - اجازه به سهامداران معترض جهت طرح دعوی مدنی به نام شرکت؛ به‌نحوی که دادگاه دستور می‌دهد؛

ت - الزام شرکت به اینکه بدون اجازه دادگاه تغییری در اساسنامه خود ایجاد نکند.

ث - فراهم نمودن زمینه برای خرید سهام هر یک از سهامداران اقلیت شرکت توسط سهامداران اکثریت یا شرکت.

متداول‌ترین دستوری که توسط دادگاه صادر می‌شود، الزام متخلفین به خرید سهام سهامداران اقلیت است. در صورتی که شرکت سهام آنان را خریداری کند این امر مستلزم کاهش سرمایه شرکت است. خرید باید به قیمت منصفانه بر اساس قیمت شرکت قبل از آنکه اقدام مورد شکایت عملی شود یا با فرض اینکه آن اقدام عملی نشده است، باشد.^۵ سهامداران اکثریت می‌توانند قیمت پیشنهادی خود را برای خرید سهام اقلیت ارائه دهند، چنانچه مبلغ فوق منصفانه باشد، دادگاه دعوی سهامدار اقلیت را رد خواهد کرد. در خصوص ارزش‌گذاری سهام دادگاه اختیار وسیعی دارد. در صورت عدم توافق طرفین، دادگاه می‌تواند جهت تعیین ارزش سهام کارشناس تعیین کند. در صورتی که سهامدار اقلیت به‌جای اقامه دعوی مشتق از طرف شرکت، علیه سهامداران اکثریت اقامه دعوی کند، دادگاه دعوی وی را به لحاظ مقررات شکلی رد نمی‌کند، بلکه چنانچه عمل قاصرانه موجب تضرر شرکت شده است، به سهامدار اقلیت اجازه می‌دهد دعوی مشتق را از جانب

۱. Ann Ridley, Chris Shepherd, Company Law (Key Facts Key Cases), (UK: Routledge, ۲۰۱۵), p ۲۳۳.

۲. Lucy Jones, Introduction to Business Law, (UK: Oxford University Press, ۲۰۱۷), p ۵۹۹.

۳. Companies Act, ۲۰۰۶, s ۹۹۶(۱).

۴. Companies Act, ۲۰۰۶, s ۹۹۶(۲).

۵. Charlie Newington-Bridges, St John's Chambers, op.cit, pp ۹۱۰.

شرکت طرح کند. در صورتی که اجازه اقامه دعوی مشتق از طرف دادگاه به سهامدار داده شود نباید دعوی را به اصالت از طرف خود یا دیگر سهامداران طرح کند، بلکه دعوی باید از طرف شرکت طرح شود. بر اساس ماده یادشده سهامداران اقلیت هر یک از شرکت‌های طرف تجزیه می‌توانند بر اساس تبعیض غیرمنصفانه علیه شرکت یا سهامداران اکثریت اقامه دعوی کرده و در صورتی که دادگاه تشخیص دهد تجزیه پیشنهادی از سوی مدیران شرکت غیرمنصفانه است، می‌تواند یکی از دستورات فوق که مناسب است را اعمال کند.

۳-۱-۲- درخواست انحلال شرکت از دادگاه

سهامدار اقلیت ممکن است به هنگام تجزیه و دلایلی که برای تجزیه شرکت در طرح تجزیه بیان شده است، برخی از حقوق خویش را تزییع شده قلمداد کند. لذا در جهت احقاق حقوق تزییع شده در تجزیه شرکت می‌تواند در دادگاه اقامه دعوا کند. بر اساس بند (۱) ماده ۱۲۲ قانون ورشکستگی مصوب ۱۹۸۶ انگلستان^۱، در صورتی که سهامداران اقلیت مدعی حقی باشند می‌توانند در دادگاه اقامه دعوا کنند.^۲ بند یادشده به دادگاه اختیار می‌دهد شرکت را به دلایل منصفانه و عادلانه منحل کند. خواهان‌ها باید دادگاه را قانع کنند اولاً بعد از انحلال مبلغی برای تقسیم بین سهامداران وجود دارد. به عبارت دیگر شرکت ورشکسته نیست. ثانیاً سهامدار پاک دست بوده به نحوی که نسبت به موضوع شکایت مقصر نباشند. در این حالت، خواننده دعوی شرکت است. البته تصمیم به انحلال شرکت در صورتی امکان دارد که راه‌حل دیگری برای برون‌رفت از مشکل پیش آمده وجود نداشته باشد. موارد امکان اقامه چنین دعوی محدود و شامل موارد زیر است:

- کنار گذاشتن سهامدار اقلیت بدون دلیل از مدیریت شرکت
- نادیده گرفتن حقوق سهامداران اقلیت به نحو مداوم توسط سهامداران اکثریت
- تعیین پاداش غیرمتعارف برای مدیران هنگامی که از پرداخت سود سهام به سهامداران خودداری می‌شود.

۱. Insolvency Act ۱۹۸۶, s ۱۲۲ (۱).

۲. St John's Chambers, "Unfair Prejudice Petitions and their interaction with Derivative Claims", (January ۲۰۱۶), p۱.

- وقتی شرکت در بن‌بست قرار گرفته و تصمیمی راجع به آن گرفته نمی‌شود.^۱

۴-۱-۲- دعوی مشتق

در ماده ۲۷۶ لایحه اصلاحی ۱۳۴۷، به حق اقامه دعوی سهامداران اقلیت دارنده ۲۰٪ سهام شرکت اشاره دارد بدین نحوه چنانچه مدیران شرکت مرتکب تخلف یا تقصیر شوند بتوانند به خواهان قرار دادن شرکت البته به هزینه خود علیه مرتکب دعوی مسئولیت مدنی اقامه کنند که از ابزارهای قدرتمند مقرر قانونی برای شنیده شدن صدای اقلیت سهامداران است. قانون‌گذار حتی به منظور جلوگیری از اعمال قدرت و نفوذ ناروای سهامداران اکثریت نسبت به تحدید حق اقامه دعوی سهامداران اقلیت علیه مدیران در اساسنامه و تصمیمات مجامع عمومی شرکت، پیش‌بینی‌هایی کرده است.

حقوق انگلستان برخلاف حقوق ایران، اقامه چنین دعوایی را برای سهامداران اقلیت به هر میزان سهام را پذیرفته است. این بحث به لحاظ تاریخی در روند تصویب حقوق شرکت‌های ۲۰۰۶ انگلستان، خود با چالش‌هایی همراه بوده و موافقان و مخالفانی داشته است. مثلاً اینکه آیا جواز طرح ادعاهای انفرادی در اقامه دعوی مشتق برای سهامداران اقلیت درست است یا خیر؟ منطق مخالفان تصویب این بوده که این امر می‌تواند منجر به ظهور و کثرت دعوای واهی و نامناسب علیه شرکت خواهد شد، لیکن تجربه قضایی پس از تصویب این ماده، ادعای مخالفان را رد کرد.^۲ این امر می‌تواند مانع نگرانی قانون‌گذار ایران در اعطای چنین حقی به سهامدار اقلیت باشد.

همان‌طور که ملاحظه شد، برخلاف حقوق انگلیس که هر یک از سهامداران می‌تواند دعوی مشتق از جانب شرکت را طرح کنند، در حقوق ایران، اقامه دعوی مشتق مستلزم درخواست یک‌پنجم سهام شرکت است. در هر حال چنانچه در روند تجزیه شرکت تخلفاتی از سوی مدیران صورت گرفته باشد، این امر می‌تواند موجبات دعوی مشتق از سوی سهامدار اقلیت را فراهم کند.

از آنجا که مفاد ماده (۲۷۶) لایحه اصلاحی ۱۳۴۷ با تعریف دعوی مشتق (که در برخی از

۱. Ann Ridley, Chris Shepherd, op.cit, p ۲۲۸.

۲. John Birds, Nigel Boardman, op.cit, p ۱۳.

نظام‌های حقوقی، از جمله حقوق امریکا و انگلیس پذیرفته شده) سازگار است، می‌توان گفت اصطلاح «دعوی مسئولیت مذکور در ماده (۲۷۷) فوق با متن ماده (۲۷۶) هماهنگ نیست؛ چراکه دعوی مسئولیت صاحبان سهام علیه مدیران (که کلیه دعوی سهامداران علیه مدیران را در برمی‌گیرد) اعم از دعوی مشتق است.^۱

قاعده کلی در حقوق عرفی، به‌ویژه حقوق انگلیس مبتنی بر پرونده فاس علیه هارباتل^۲ می‌باشد. بر اساس این پرونده^۳، با توجه به تفکیک شخصیت حقوقی شرکت از سهامداران آن، چنانچه خسارتی از طرف مدیران و دیگران به شرکت وارد شود، صرفاً شرکت می‌تواند جهت جبران خسارات وارده اقامه دعوی کند که سهامداران چنین حقی را ندارند. متعاقباً استثنایی به قاعده فوق وارد شد مبنی بر اینکه سهامداران می‌توانند از جانب شرکت تحت دعوی مشتق^۴ اقامه دعوی کنند. دلیل این امر آن است که در بعضی مواقع به لحاظ اینکه کنترل آن در دست سهامداران اکثریت است، شرکت در موقعیتی نیست که برای جبران خسارات وارده تصمیم صحیحی در مورد حقوق خود بگیرد.^۵ در حال حاضر در حقوق انگلستان بر اساس ماده (۲۶۰) قانون شرکت‌های ۲۰۰۶ امکان اقامه دعوی مشتق وجود دارد.^۶ بر این اساس، به هر دلیلی که شرکت می‌تواند علیه شخصی اقامه دعوی کند، هریک از سهامداران نیز می‌تواند از جانب شرکت چنین دعوایی را اقامه کند.^۷

تجویز دعوی مشتق راهکاری مهمی است که به موجب آن سهامداران می‌توانند علیه مدیران شرکت اقامه دعوی کنند و تضمینی است که مدیران وظیفه خود را به نحو مناسب و دقیق در جهت تأمین منافع کوتاه‌مدت و بلندمدت شرکت، انجام دهند.^۸

۱. عیسائی تفرشی، محمد، مباحثی تحلیلی از حقوق شرکت‌های تجاری، جلد ۲، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۵، ص ۴۸.

۲. Foss v Harottle, ۱۸۴۳

در پرونده فوق، دو سهامدار علیه مؤسسين شرکت و مدیران آن اقامه دعوی کرده و مدعی بودند دارایی‌های شرکت در جهت صحیحی به کار گرفته نمی‌شود و اموال شرکت را به لحاظ آن به رهن گذاشته‌اند. دادگاه دعوی آنان را رد کرد و رأی داد نقض وظیفه مدیران شرکت تخلفی است نسبت به شرکت و صرفاً شرکت می‌تواند به سبب آن شکایت کند.

۳. Mike Ottley, Q&A Company Law, (USA: Routledge, ۲۰۱۶), p ۱۱۴.

۴. Ibid, p ۱۱۵.

۵. James Kirkbride, Clive Smallman, "Minority shareholders and corporate governance: Reflections on the derivative action in the UK, the USA and in China, International Journal of Law and Management", (New Zealand, Vol. ۵۱ No. ۴, July ۲۰۰۹), p ۲۰۸.

۶. Companies Act, ۲۰۰۶, s ۲۶۰.

۷. Susan McLaughlin, Unlocking Company Law, (UK: Routledge, ۲۰۱۵), p ۳۸۳.

۸. James Kirkbride, Clive Smallman, op.cit, p ۲۱۰.

برای اقامه دعوی مشتق دو مرحله وجود دارد. در مرحله اول، دادگاه باید اجازه اقامه دعوی بدهد و مرحله دوم رسیدگی به اصل دعوی است.^۱ باید توجه کرد بر اساس ماده (۲۶۰)، سهامدار از طرف شرکت در رابطه ضرر وارده به شرکت اقامه دعوی می‌کند، در حالی که بر اساس ماده (۹۹۴) سهامدار برای خود اقامه دعوی می‌کند.^۲

دعوی مشتق زمانی مطرح می‌شود که مدیران، اعم از مدیران فعلی و قبلی، در انجام وظایف خود مرتکب قصور، اشتباه، نقض وظیفه مراقبت، مهارت و سعی کوشش معقول و نقض تعهد امانی شوند. دادگاه ممکن است به دلایلی اجازه اقامه دعوی مشتق را ندهد، مانند زمانی که تشخیص دهد این امر در جهت منافع شرکت نیست یا امری که نسبت به آن شکایت شده به نحو معتبر توسط شرکت تأیید و اجازه داده شده است.^۳ البته در برخی دعاوی به ندرت دادگاه چنین اجازه‌ای را داده است.^۴ همچنین لازم به ذکر است که خواهان برای اقامه دعوی مشتق نیازی به بر عهده گرفتن اثبات تقلب شرکت ندارد.^۵

۵-۱-۲- حمایت از سهامداران اقلیت از طریق دخالت دادگاه

بر اساس ماده (۹۳۸) قانون شرکت‌های ۲۰۰۶ انگلستان و مقررات بخش ۲۶ قانون مذکور دادگاه نسبت به فراخوانی مجامع و اینکه به چه نحو دعوت شوند، اختیار دارد. چنین اختیاری از یک جهت برای حمایت از سهامداران و طلبکاران شرکت است؛ به‌ویژه اینکه اطمینان حاصل کند سهامداران اقلیت هر یک از گروه‌های سهامداران از طریق اکثریت سهامداران تحت فشار قرار نگرفته و قادر باشند تصمیم دلخواه خود را بگیرند و اینکه سهامداران مذکور در جلسه مجمع شخصاً یا از طریق وکیل خود حاضر بوده و رأی داده باشند.^۶ همچنین، بر اساس مقررات بخش‌های ۲۶ و ۲۷ این قانون، تجزیه شرکت‌های عام تجاری موکول به تصویب دادگاه تجاری

۱. Mahmud Samad, Court Applications Under the Companies Acts, (UK: Bloomsbury Professional, ۲۰۱۳), p ۲۸۷
and Susan McLaughlin, Unlocking Company Law, (UK: Routledge, ۲۰۱۵), p ۳۸۴.

۲. Mike Ottley, op.cit, p ۱۲۵.

۳. Alan J. Dignam, Andrew Hicks, "Hicks & Goo's Cases and Materials on Company Law", (UK: Oxford University Press, ۲۰۱۱), p ۴۳۰.

۴. Susan McLaughlin, Unlocking Company Law, (UK: Routledge, ۲۰۱۵), p ۳۸۲.

۵. پاسان، محمدرضا و جهانیان، مجتبی، «دعوی مشتق و آیین آن: بررسی تطبیقی در حقوق ایران و انگلیس»، پژوهش حقوق خصوصی، سال دوم، شماره چهارم، (۱۳۹۲)، ص ۹۳.

۶. John Birds, Nigel Boardman, op.cit, p ۱۰۶۱.

است، هر چند سهامداران و طلبکاران به انعقاد تجزیه راضی باشند. دادگاه در صورتی تجزیه را تصویب می کند که کلیه تشریفات و شرایط قانونی مقرر در بخش های فوق رعایت شده باشد. هنگامی که دادگاه تجزیه را مورد تصویب قرار می دهد، طرح ارائه شده برای شرکت و سهامداران و طلبکاران شرکت الزام آور می شود.^۱ عدم رعایت این تشریفات و شرایط قانونی می تواند مورد استعانت سهامداران اقلیت برای ممانعت از عملی شدن امر تجزیه و فشار به سهامداران اکثریت و در نتیجه ایجاد موازنه نسبی شود. به هر صورت هنگامی که دادگاه به طرح تجزیه رسیدگی می کند، سهامداران اقلیت باید اعتراض خود را به دادگاه تسلیم کنند. چنانچه دادگاه دلایل آن ها را مقرون به صحت بداند و راه حل مناسب برای آن نباشد از تصویب طرح تجزیه امتناع خواهد کرد.

۲-۲- حقوق سهامدار اقلیت در تجزیه شرکت ها در حقوق ایران

همان طور که ذکر شد در حقوق ایران مقررات مفصلی در مورد تجزیه شرکت های تجاری وجود ندارد. به نظر می رسد در شرایط فعلی چنانچه شرکتی بخواهد به تجزیه اعم از کلی و جزئی مبادرت کند، این امر مستلزم موافقت کلیه سهامداران و طلبکاران شرکت است، ضمن اینکه مقرراتی در مورد انحلال بدون تصفیه وجود ندارد. در لایحه تجارت به تجزیه شرکت ها و چگونگی حمایت از سهامداران اقلیت در لابلاهی متون قوانین مرتبط به تجزیه شرکت ها پرداخته شده لکن هنوز مراحل قانون گذاری آن طی نشده است.

با توجه به مراتب فوق، در این قسمت به حقوق سهامداران اقلیت در حقوق ایران پرداخته تا چنانچه قرار باشد تجزیه مورد تصویب قانون گذار قرار گیرد، کاستی های آن روشن شود.

۲-۲-۱- هدف از حمایت از سهامداران اقلیت

در میان دیگر گروه های قابل تصور در شرکت تجاری، سهامداران اصلی ترین سرمایه گذاران آن محسوب می شوند و به همین دلیل آنان را مالکان شرکت می دانند.^۲ بارزترین مصداق سطح بندی سهامداران، تقسیم آنان به سهام داران اکثریت و اقلیت است. باین وجود تفکیک

۱. Ibid, p ۱۰۲۸.

۲. طوسی، عباس، تحلیل اقتصادی حقوق شرکت ها، چاپ اول (تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۳)، ص ۲۷۱.

مالکیت از کنترل و تضاد منافع سهامدار عمده و سهامدار اقلیت در شرکت سهامی، زیربنای تأکید بر حقوق سهامداران اقلیت خصوصاً حق مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مهم شرکت در مجامع عمومی را تشکیل می‌دهد. زیرا با توجه به این واقعیت که مشارکت در تصمیم‌گیری در بیشتر شرکت‌های تجاری، تابعی از میزان آورده شرکا هست لذا عملاً کنترل شرکت در دست سهامداران اکثریت است. از آنجایی که در بیشترین اشکال تصمیم‌گیری و تجزیه شرکت، تابع نظام اکثریت آراء می‌باشد. تحمیل عقیده اکثریت بر اقلیت به نوبه خود می‌تواند مانع جلب اقلیت سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری در این قبیل شرکت‌ها شود.

بحث حمایت از سهامداران اقلیت در ابتدا به دنبال ورود نظام راهبری شرکتی در اداره شرکت‌های سهامی عام به‌طور جدی مطرح شد. طوری که در اصول راهبری شرکتی که توسط «سازمان همکاری اقتصادی و توسعه»^۱ در سال ۱۹۹۸ برای تمامی کشورهای عضو و غیر عضو تدوین شده، مشاهده می‌شود که هدف نهایی تمام اصول، جلب اعتماد سهامداران و از جمله حمایت از حقوق سهامداران اقلیت برای مشارکت در شرکت‌های تجاری است.

۲-۲-۲- حق قابلیت نقل و انتقال سهام اقلیت

از جمله کارآمدترین استراتژی‌های حقوقی به‌منظور حمایت از سهامداران اقلیت، تمهید قانونی خروج از شرکت می‌باشد. گرچه قاعده انتقال بلاقید سهام، اختصاص به اقلیت مخالف ندارد باین حال ابزار مهمی در جهت جلب سرمایه‌گذاران تلقی می‌شود. همان‌گونه که ملاحظه شد، در حقوق انگلیس، دادگاه می‌تواند تحت شرایطی شرکت یا سهامداران اکثریت را به خرید سهام سهامداران اقلیت به قیمت منصفانه اجبار کند. لکن در حقوق تجارت ایران چنین مقرره‌ای وجود ندارد و چنانچه اقلیت مخالف، روند جاری شرکت را مخالف مصالح مادی خود تشخیص دهند، تنها واکنش متصوره برای چنین سهامدارانی خروج از آن طریق انتقال سهام خود خواهد بود. این راه‌حل کمک می‌کند تا اقلیت مزبور سرمایه‌های خود را اسیر در شرکت تلقی نکنند. همین ویژگی به جذابیت سرمایه‌گذاری در این قبیل شرکت‌ها اضافه می‌کنند. لایحه اصلاحی ۱۳۴۷ به شکل کاملاً صریح و امری نقل و انتقال سهام^۲ شرکت‌های سهامی عام را مجاز دانسته و هرگونه شرط مغایر با آن را خواه از طریق درج در اساسنامه یا مصوبات مجامع باطل

۱ . Organization for Economic Co-operation and Development (OECD).

۲ شعبه ۱۳ دادگاه تجدید نظر استان تهران تاریخ رای نهایی: ۱۳۹۳/۷/۶ شماره رای نهایی: ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۱۳۰۰۹۰۲.

اعلام می‌کند.^۱ باین حال، این حکم مختص شرکت‌های سهامی عام نیست و شامل شرکت سهامی خاص هم می‌شود. چراکه ماده حاضر به لحاظ اصولی واجد وصف است نه حصر فلذا مفهوم مخالف ندارد هرچند مشهور آن را مختص شرکت‌های سهامی عام می‌دانند. برخلاف آنچه در شرکت سهامی می‌گذرد، خروج از شرکت در سایر شرکت‌ها به آسانی نبوده و تابع رضایت عده قابل توجهی از سایر اعضای شرکت خواهد بود. سرمایه‌گذاری در این قبیل شرکت‌ها مستلزم دقت کافی است زیرا اگر اعضای این گونه شرکت‌ها ناهماهنگ باشند، معنایی جز به اسارت گرفتن سرمایه‌های جلب شده نخواهند داشت.^۲

به هر حال برخی از اساتید معتقدند در شرکت‌های سهامی چنانچه سهامدار اقلیت مایل به تجزیه شرکت نباشند، می‌توانند سهام خود را فروخته و از شرکت خارج شوند ولی اولاً: حق اقامه دعوی اصالتاً علیه شرکت یا سهامداران اکثریت ندارند. ثانیاً شرکت و سهامداران اکثریت الزامی به خرید سهام آنان ندارد.^۳ در خصوص این امر منصفانه، مستندی یافت نمی‌شود و در حقوق فعلی ایران، برای اقناع دادرس دست کم باید به اصول کلی حقوقی و اصل چهلم قانون اساسی تمسک کرد. بنابراین بهتر است قانون‌گذار در تدوین لایحه تجارت برای این امر چاره‌ای بیاندیشد. پیشنهاد می‌شود در صورت مخالفت با سهامدار اقلیت با امر تجزیه و چنانچه دادرس این اعتراض را به قصد اضرار نداند، متقاضیان امر تجزیه مکلف‌اند سهام سهامدار اقلیت را به قیمت عادلانه بخرند. قیمت عادلانه از این بابت گفته می‌شود که در مورد قیمت سهم نه قیمت اسمی و بازاری و یا قیمت بورسی سهم بلکه قیمت واقعی یک سهم مهم است. در قیمت‌گذاری سهام سهامدار اقلیت باید قیمت عادلانه محاسبه شود چراکه قیمت اسمی سهم و یا قیمت بازاری آن ممکن است با توجه با اتفاقات و اخبار بازار و یا نگرانی خریداران از تغییرات ناشی از تجزیه، واقعی و در نتیجه عادلانه نباشد.

در تدوین لایحه جدید با لحاظ موارد مذکور، در مورد تغییرات اساسی شرکت همچون تجزیه چنانچه سهامدار اقلیت ناراضی و تبعاً ناچار باشد می‌توان از ملاک ماده (۱۰۳) قانون

۱ ماده ۴۱ لایحه اصلاحی ۱۳۴۷.

۲ Article ۶۳(۱) TFEU : All restrictions on the movement of capital between Member States and between Member States and third countries shall be prohibited.

۳. طوسی، عباس، پیشین، ص ۲۷۴.

شرکت‌های تعاونی مبنی بر پرداخت نقدی بهای سهام یاری جست.^۱

۳-۲-۲- حق دعوت از مجمع عمومی فوق‌العاده

دعوت از سهامداران جهت تشکیل مجامع عمومی در وهله اول بر عهده مدیران است و در صورتی که مدیران به وظایف قانونی خود در رابطه با تشکیل جلسات مجامع عمومی برابر مقررات قانون تجارت عمل نکنند در موارد خاصی که قانون پیش‌بینی کرده، دعوت مجامع عمومی را بر عهده بازرسان گذاشته شده است. اما پیش‌بینی مراتب فوق به معنای تضمین کامل حقوق سهامداران جهت تشکیل جلسات مجامع عمومی در مواردی که قانون مقرر می‌کند نیست. چه بسا هیئت‌مدیره و بازرسان به وظایف قانونی خود عمل نمی‌کنند هرچند قانون در این‌گونه موارد راهکارهای متعددی پیش‌بینی کرده است. ولی یکی از مهم‌ترین مواردی که قانون‌گذار در این راستا پیش‌بینی کرده و در جهت حفظ حقوق سهامداران اقلیت^۲ نیز تأثیر به‌سزایی دارد، اجازه تشکیل مجمع عمومی به یک‌پنجم دارندگان شرکت برابر ماده ۹۵ ل.ا.ق.ت است. هرچند اگر سهامداران اقلیت موفق به تشکیل جلسات هم شوند شاید نتوانند به نحو دلخواه کلیه حقوق خود را تضمین کنند اما در موارد متعددی می‌توانند هشدارهای جدی و یا راه‌کارهای مناسب به سایر سهامداران نشان دهند.

ماده ۹۵ لایحه فوق از عبارت مجمع عمومی علی‌الاطلاق استفاده کرده^۳ و بنابراین شامل مجمع عمومی فوق‌العاده نیز می‌شود.^۴

۴-۲-۲- دارندگان سهام ممتاز

قانون تجارت ایران و لایحه اصلاحی ۱۳۴۷، فی‌الجمله ایجاد سهم ممتاز را پذیرفته‌اند اما مصادیق آن را بیان نکرده‌اند. در اینجا نیز باید توجه داشت که مفهوم سهم ممتاز و اقسام آن

۱ ماده (۱۰۳) قانون شرکت‌های تعاونی ۱۳۵۰: اعضای که با تصمیم ادغام و انتشار آگهی آن مخالف باشند و از عضویت تعاونیها مستعفی گردند باید ظرف مهلت مقرر مخالفت خود را کتباً اعلام دارند. شرکت یا اتحادیه مربوط مکلف است بهای سهام آنها را حداکثر ظرف یک ماه نقداً پرداخت نماید.

۲ پاسبان، محمدرضا، حقوق شرکت‌های تجاری، چاپ یازدهم (تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (نشر سمت)، ۱۳۹۴)، ص ۱۶۶.

۳ عیسائی تفرشی، محمد، پیشین، ص ۹۰.

۴ طوسی، عباس، پیشین، ص ۲۷۷.

اختصاص به شرکت سهامی ندارد. با بهره‌گیری از سهام ممتاز می‌توان سهامداران اقلیت و اکثریت را به سمت تعادل نسبی سوق داد. گرچه وجوه امتیاز در این نوع سهام از قبل مشخص نبوده و بستگی به اراده افراد خواهد داشت با این حال یکی از مهم‌ترین کاربردهای آن می‌تواند در مدیریت شرکت ظاهر شود. برای مثال امروزه سهام ممتاز مکانیسم کارآمدی است برای جلب سرمایه‌های خارجی که به دلیل محدودیت‌های قانونی سرمایه‌گذاری در کشور میزبان قادر به داشتن بیش از ۴۹٪ سهام «مشارکت اقتصادی» نمی‌باشند. با استفاده از ابزار سهام ممتاز، شرکت‌های خارجی سرمایه‌گذار قادر خواهند بود علی‌رغم داشتن ۴۹٪ سهام نقش جدی‌تری را در مدیریت شرکت و سازمان‌دهی منابع آن ایفاء کنند. بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت این مکانیسم با توجه به این که از طریق برقراری تعادل، زمینه به کارگیری منابع اقتصادی داخلی و خارجی را فراهم می‌کند، نمونه‌ای از یک قاعده تعادلی را در حقوق شرکت‌ها به نمایش می‌گذارد. که در هنگام تجزیه شرکت چنانچه سهامدار اقلیت واجد سهام ممتاز به لحاظ رأی باشد می‌تواند بر جریان مخالف طرح تجزیه مؤثر باشد.^۱

یکی از ادعاهای سهامداران اقلیت می‌تواند در خصوص نحوه تخصیص امتیازات به سهام ممتاز مطرح شود. با این مکانیسم، سهامداران اقلیت از طریق مدیران خود می‌توانند پیشنهاد طرح تجزیه را به مجمع عمومی فوق‌العاده ارائه کنند. در این موارد برای هر سهم ممکن است تعداد حق رأی بیشتری نسبت به سهام دیگر لحاظ کنند. لذا ممکن است استنباط شود که این روند ممکن است به تساوی حقوق سهامداران خدشه وارد کند. استدلال مقابل می‌تواند این باشد که اگرچه به تساوی حقوق سهامداران در شرکت خدشه وارد می‌سازد لکن این خدشه به حدی نیست که آن را مخالف مقتضای ذات عقد جلوه دهد. لایحه قانونی ۱۳۴۷ نسبت به جواز این شرط ساکت است.^۲

۵-۲-۲- دعوی مشتق و حقوق سهامدار اقلیت

در حقوق ایران برخلاف حقوق انگلستان، اقامه دعوی مشتق به سهامداران انفرادی اعطاء نشده است بلکه برای اقامه چنین دعوایی باید حداقل مالک یک پنجم سهام شرکت باشند. شاید

۱. و همچنین: ماده (۱۸) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور.

۲. کاویانی، کورش، پیشین، ص ۵۲.

به این دلیل که قوام و ثبات شرکت ممکن است با دلایل هر سهامدار شرکت به هر اندازه از سهام به خطر بیفتد و یا اینکه رقبای شرکت با تهییج یا تبانی سهامداران شرکت روندی عادی شرکت را دچار رکود یا اغتشاش کنند. لایحه تجارت جدید نیز بدین منوال تدوین شده لیکن در ماده (۲۳۵) لایحه تجارت؛ نصاب ۲۰٪ به ۱۰٪ تقلیل یافت و بازرسان نیز علاوه بر مدیران به لیست خواندگان این دعوا افزوده شد. به تشریح دعوی مشتق در مطالب قبلی اشاره شد.

متعاقب مواد (۲۷۶) و (۲۷۷) لایحه اصلاحی ۱۳۴۷ به‌عنوان مستندات دعوی مشتق در حقوق ایران^۱، لایحه تجارت ۱۳۸۴ نیز در ماده (۴۷۳) به شکل گسترده شرایط اقامه این دعوا را بیان کرده است.^۲ همچنین در لایحه «آئین دادرسی تجاری» نیز به دعوی مشتق پرداخته شده که تاکنون به تصویب مجلس نرسیده است. در ماده ۹۰ (لایحه آئین دادرسی تجاری ۱۳۹۰) دعوی مشتق بدین شرح تعریف شده: «شخص یا اشخاصی که مجموع سهام آنان حداقل یک‌پنجم مجموع سهام شرکت باشد می‌توانند در صورت تخلف یا تقصیر رئیس و اعضای هیئت‌مدیره و یا مدیرعامل به نام و از طرف شرکت، علیه رئیس یا تمام یا بعضی از اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل اقامه دعوا کنند و جبران کلیه خسارات وارد به شرکت را از آن‌ها مطالبه کنند؛ به این دعوا دعوی مشتق گویند» مطابق ماده (۹۳) لایحه اخیر، سهامدار اقامه کننده دعوی مشتق از پرداخت هزینه دادرسی معاف می‌باشد؛ در صورتی که به‌موجب بخش اخیر ماده (۲۷۶) هزینه دادرسی باید از سوی سهامداران خواهان پرداخت شود، با محکومیت مدیران یا مدیران خواننده، هزینه‌های دادرسی پرداختی از سوی خواهان، از محکوم‌به کسر و به خواهان مسترد می‌شود. به‌موجب ماده (۹۲) لایحه نیز «امور راجع به دعوی مشتق از حیث این که توسط چه تعداد از سهامداران شرکا یا اعضا و با چه شرایطی و علیه چه کسانی باید اقامه شود، تابع قانون دولت متبوع شرکت است».^۳

نتیجه‌گیری

۱ اقامه دعوا توسط دارندگان یک‌پنجم سهام شرکت از طرف شرکت، شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، تاریخ رأی نهایی: ۲۷/۱۲/۱۳۹۱، شماره رأی نهایی: ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۱۲۰۱۷۸۲.

۲. پاسبان، محمدرضا و جهانیان، مجتبی، «دعوی مشتق و آیین آن: بررسی تطبیقی در حقوق ایران و انگلیس»، پژوهش حقوق خصوصی، سال دوم، شماره چهارم، (۱۳۹۲)، ص ۸۵.

۳. همان. ص ۱۰۲.

تجزیه ممکن است به دو شکل جزئی و کلی منعقد شود. در تجزیه کلی، با انعقاد قرارداد تجزیه بین شرکت‌های سهامی، اموال و تعهدات شرکت سهامی تجزیه شونده به شرکت‌های سهامی جدید یا بازمانده منتقل و شرکت تجزیه شونده بی‌آنکه تصفیه شود، زایل می‌شود. سهامداران شرکت تجزیه شونده به جای سهم خود در این شرکت، سهام شرکت‌های جدید یا بازمانده را تحصیل می‌کنند. در تجزیه جزئی شرکت مورد تجزیه بدون اینکه شخصیت حقوقی آن زائل شود قسمتی از دارایی‌های خود را به شرکت یا شرکت‌های دیگر منتقل می‌کند. تجزیه در نظام حقوقی انگلیس و اعتبار آن منوط بر تأیید قرارداد توسط دادگاه است. اما نظام حقوقی ایران، حکمی در باب شرایط انعقاد و آثار این قرارداد در بر ندارد. علاوه بر این تثبیت آن در این نظام حقوقی مواجه با برخی موانع حقوقی نیز همراه می‌باشد.

در لایحه قانون تجارت، انعقاد تجزیه شرکت‌های سهامی منوط به تصویب آن در مجمع عمومی فوق‌العاده است. در انگلستان، بر اساس مواد (۹۲۲) قانون مذکور، تجزیه شرکت‌ها با تصویب در مجمع عمومی با اکثریت عددی هر یک از گروه‌های سهامدار کلیه شرکت‌های درگیر تجزیه که مالک سه چهارم سرمایه شرکت باشند انجام می‌شود.

مقایسه نظام ایران و انگلستان مشخص می‌کند سکوت قانون‌گذار ایران در خصوص تجزیه باعث شده شرکت‌ها نتوانند به امر تجزیه شرکت پردازند و ماده ۹۴ لایحه تجارت ۱۳۴۷ نیز نتوانسته نظام حمایتی مناسب را برای ممانعت از تضییع حقوق سهامداران اقلیت در شرکت‌های سهامی در موارد تجزیه پیش‌بینی کند. بنابراین، در حال حاضر در بحث تجزیه نظام حقوقی ایران با خلأ قانون‌گذاری مواجه است.

مقررات حمایتی که در حقوق انگلیس مورد ملاحظه قرار گرفت، در حقوق ایران به چشم نمی‌خورد. برای مثال، اولاً برخلاف حقوق انگلیس نظارتی برای دادگاه در روند تجزیه و تصویب آن پیش‌بینی نشده است، در حالی که در حقوق انگلیس دادگاه می‌تواند قبل از تصویب تجزیه به اعتراض سهامداران اقلیت رسیدگی و در صورت اقتضاء شرکت یا سهامداران اکثریت را مجبور به خرید سهام آنان به قیمت منصفانه کند. ثانیاً، طرح دعوی مشتق در حقوق ایران منوط به اقامه دعوی از جانب یک پنجم سهامداران است، در حالی که در حقوق انگلیس هر یک از سهامداران چنین حقی را دارند. ثالثاً، سهامدار اقلیت اصالتاً نمی‌تواند علیه سهامداران اکثریت

یا مدیران یا شرکت اقامه دعوی کند، درحالی که در حقوق انگلیس با شرایطی که بیان شد، حتی یک سهامدار می‌تواند اصالتاً طرح دعوی کند.

با توجه به مطالب پیش گفته، اثر مهم تجزیه بر سهامداران اقلیت مترتب می‌شود، لذا چنانچه سهامداران اقلیتی که در مجمع عمومی فوق‌العاده، نسبت به تجزیه شرکت مخالفت داشته و عدم رضایت خود را در زمان تصمیم‌گیری اعلام کنند لکن به دلیل اعمال قدرت اکثریت سهامداران، تصمیم راجع به تجزیه صورت می‌پذیرد و ممکن است حقوق این دسته از سهام‌داران (اقلیت) ضایع شود.

پیشنهاد می‌شود در صورت مخالفت سهامدار اقلیت با امر تجزیه و چنانچه دادرسی این اعتراض را به قصد اضرار نداند، متقاضیان امر تجزیه مکلف شوند سهام سهامدار اقلیت را به قیمت عادلانه اکتیوا کنند. در قیمت‌گذاری سهام سهامدار اقلیت باید قیمت عادلانه و واقعی محاسبه شود چراکه قیمت اسمی سهم و یا قیمت بازاری آن ممکن است با توجه با اتفاقات و اخبار بازار و یا نگرانی خریداران از تغییرات ناشی از تجزیه، واقعی و در نتیجه عادلانه نباشد.

منابع

فارسی

- اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت، شرکت‌های تجاری، جلد اول، (تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (نشر سمت)، ۱۳۸۵).
- پاسبان، محمدرضا و جهانیان، مجتبی، «دعوای مشتق و آیین آن: بررسی تطبیقی در حقوق ایران و انگلیس»، پژوهش حقوق خصوصی، سال دوم، شماره چهارم، ۱۳۹۲.
- پاسبان، محمدرضا، حقوق شرکت‌های تجاری، (تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (نشر سمت)، ۱۳۹۴).
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، (تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۶).
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، جلد پنجم، (تهران: نشر مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷).
- سیلی. ال.اس، «حقوق شرکت‌ها در انگلستان»، مترجم: عبدالرسول قدک، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۰-۱۹، ۱۳۷۶.
- صقری، محمد، حقوق بازرگانی شرکت‌ها، تأسیس، تبدیل، ادغام و انحلال، (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۰).
- طوسی، عباس، تحلیل اقتصادی حقوق شرکت‌ها، (تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۳).
- عیسائی تفرشی، محمد، مباحثی تحلیلی از حقوق شرکت‌های تجاری، جلد ۲، (تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۵).
- کاویانی، کورش، حقوق اسناد تجارته، (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۹).

English resources:

- Adams, Trevor, Morris, Christopher, *Business Law and Practice*, (UK: College of law, ۲۰۱۰).
- Alan J., Andrew Hicks, "Hicks & Goo's Cases and Materials on Company Law", (UK: Oxford University Press, ۲۰۱۱).
- Birds, John, Boardman, Nigel, *Annotated Companies Legislation*, (USA: Oxford University Press, ۲۰۱۳).
- Bork, Reinhard, *Rescuing Companies in England and Germany*, (UK: Oxford University Press, ۲۰۱۴).
- De Luca, Nicola, *European Company Law Text, Cases and Materials*, (UK: Cambridge Press, ۲۰۱۷).
- Dignam, James Kirkbride, Smallman, Clive, "Minority Shareholders And Corporate Governance: Reflections On The Derivative Action In The Uk, The Usa



And In China, International Journal Of Law And Management”, (New Zealand , Vol. ۵۱ No. ۴, ۲۰۰۹).

- Joffe, Victor, Drake, David, Richardson, Giles, Collingwood, Tim, Lightman, Daniel, *Minority Shareholders: Law, Practice and Procedure*, (USA: Oxford University Press, ۲۰۱۳).

- Jones, Lucy, *Introduction to Business Law*, (UK: Oxford University Press, ۲۰۱۷).

- McLaughlin, Susan, *Unlocking Company Law*, (UK: Routledge, ۲۰۱۵).

- Newington-Bridges, Charlie, “Unfair Prejudice Petitions and their interaction with Derivative Claims”, (UK: ۲۰۱۶).

- Ottley, Mike, *Q&A Company Law*, (USA: Routledge, ۲۰۱۶).

- Payne, Jennifer, *Schemes of Arrangement: Theory, Structure and Operation*, (UK: Oxford University Press, ۲۰۱۴).

- Ridley, Ann, Shepherd, Chris, *Company Law (Key Facts Key Cases)*,(UK: Routledge, ۲۰۱۵).

- Samad, Mahmud, *Court Applications Under the Companies Acts*,(UK: Bloomsbury Professional, ۲۰۱۳).

- Schmidt, Jessica, *Directive general for internal policies policy department*, (European Parliament , ۲۰۱۶)